

آنچه این نامردمان با محراب و منبر میکنند

ابلهان تعظیم مسجد می کنند
آن مجاز است این حقیقت ای خران
در جفای اهل دل جدّ می کنند
نیست مسجد جز درون سروران
مسجدي کان اندرون اولیاست
مسجده گاه جمله است، آن جا خداست

از دیر باریست که یک مشت دین برگشتگان خدا ناترس، هر آنچه نفس پلید و سرکش شان فرمان داد، بدان عمل کرده و به نام ها و طرق مختلف، اعمال شوم شان را تاپه اسلام میزنند و در حقیقت به ریش خویش می خندند. دو دسته افراد از جمع این بی خردان، برجسته تر خودنمایی میکنند و از بین این دو دسته، یکی خطرناک تر بوده و چون موربانه دین را از درون میخورد و همین ها اند در لباس دین پروری، سخت مشغول دین ستیزی.

در افغانستان غرقه درخون، همین یک مشت افراد اجبر شده، زیاده از سه دهه است پایه های دین را ویران و تحت نام های مختلف به دین ستیزی اشتغال دارند. دسته اول زیر نام مارکسیزم و انقلاب و دیموکراتیک و خلق، چنان به دین ستیزی پرداختند که نه محراب مانند و نه منبر و هر آنچه به نحوی پیوندی با دین بهم میرساند، با خنجر کین نیست و نابودش کردند و در این میان یک مشت ملا و مولوی خود فروش و دین فروش را نیز به خدمت گرفته بودند تا کثافت کاری های شانرا با چند آیت و حدیث رنگ اسلامی دهند و جهت فریب خلق الله گاهگاهی هم مسجدی را رنگ آمیزی و ملایی را نوازش کرده و در اخیر هم که چاره را حصر دیدند، بیانیه های گویا انقلابی شانرا با «بسم الله» آغاز و با «من الله توفیق» ختم میکردند.

دسته دیگری که مدعی بودند مدافعین اسلام اند، چنان فرزندان دلیند مردم را بنام دین و مذهب به کشتارگاه ها میفرستادند که تو گوئی کلید بهشت موعود در جیب دارند و دسته دسته مردم را به آنجا می فرستند. این دسته افراد هرگز و هرگز هم راضی به فرستادن فرزندان نازدانه خود شان به بهشت نبودند. آنها را شعار این بود که " بهشت خوب است، اما برای همسایه "

این دسته مردم مسجد را مرکز فعالیت های سیاسی- نظامی شان ساخته بودند و از مساجد بنام اسلام سربازگیری می نمودند و جنگ آزادیبخش ملی را تاپه جهاد زده و آنرا به کجراه بردند و بیشتر از یک و نیم میلیون افغان را قربانی کردند و مملکت را به ویرانه مبدل کرده و هست و بودش را زیر نام اسلام به تاراج بردند، ولی هرگز آن جنابان را خمی بر ابرو نیامد و حتی بینی یک طفل شان هم خون نگریید و بنام خدا و دین خدا، چنان جنایات هولناکی را مرتکب گردیدند که تاریخ نظیرش را بیاد ندارد. این دسته افراد را میتوان دلان دین گفت که از برکت همان دین و با سوء استفاده از آن سرمایه های هنگفتی را به جیب زده و به مولتی ملیونرها مبدل گردیدند ولی تا امروز حتی یک مسجد و مدرسه و مکتبی هم بنا نکرده اند. همین دسته افراد اند که خطرناک تر از هر دشمن و زهرناک تر از هر کپچه مار و افعی هستند و همین ها اند که بیخ و بنیاد دین را از ریشه نابود میکنند و همین ها اند که باعث دلسردی مردم از دین میشوند.

هنوز خوب بیاد داریم که همین به اصطلاح نمایندگان خدا در روی زمین، به کعبه شریف یعنی مقدس ترین مکان مسلمانان شرف یاب گردیده و اندر آنجا سوگند یاد کردند و در قرآن پاک امضا کرده و تعهد سپردند که دیگر خون کسی نریزند، ولی چون از آن مکان مقدس برگشتند جوی های از خون هموطنان شان جاری ساختند و در و دیوار کشور را خون گرفت و مردم حتی قادر نبودند تا شهیدان شان را کفن و دفن نمایند. سوگند در خانه خدا و دستخط در حاشیه قرآن پاک را این نامردمان به پیشیزی نخریدند و کوچکترین احترام و حرمتی بدان قائل نگردیدند.

زمانیکه با چشم سر مشاهده میکنیم چگونه استادان و رهبران طالب، آنانیکه مدعی اند از آن ذات پاک در روی زمین نمایندگی میکنند و، حرمت خانه خدا را زیر پا می نمایند، پس از شاگردان شان که همان طالب ها باشند، چه توقع میتوان داشت که حرمت منبر و محراب را حفظ نمایند.

اینکه طالبان یا یک مشت پیروان از خدا بیخبر گلبیدین حکمتیار مسجدی را به خاک و خون کشانیدند و نمازگذاران را پارچه پارچه نمودند، نمایندگی از درجه مسلمان بودن شان میکند و نشان میدهد که از اسلام فرسنگ ها فاصله دارند و اسلام و دین و مذهب همه و همه سرپوشی است بر جنایات کثیف و ضد انسانی و ضد افغانی و ضد اسلامی شان. از طرف دیگر اگر اینها در صدد آن اند تا کشور را از لوٹ قوماندانان والی شده رهائی بخشند، لطف نموده این کار را در مکتب و محراب انجام ندهند و در هزار و یک محل دیگریکه همه روزه در آنجا ها در رفت و آمد اند انجام

دهند، تا از قربانی شدن فرزندان مردم جلوگیری شده باشد و نیز منبر و محراب و مسجد و مکتب از آن ضرر نبینند. نباید از خاطر یک شیش، پوستین را آتش زد.

و اما در مورد قوماندانان والی شده باید گفت که، سر بد در بلای بد. مردم افغانستان در تمام ولایات ایکه قوماندانان تنظیمی در آنجا ها والی ساخته شده اند ، چنان از کارروائی های حزبی و تنظیمی و قومی و قبیله ئی شان به تنگ آمده اند که فریاد و فغان شان از هفت آسمان خدا هم گذشته است ، ولی جناب رئیس جمهور نظر به داد و گرفت های ننگین ایکه بار رهبران تنظیم ها دارد، مردم را قربانی منافع قدرت طلبی و خانوادگی خویش نموده و گوشه برای شنیدن فریاد مردم ندارد که ندارد. در نتیجه یا مردم خود دست بکار شده و یا توسط مخالفین مسلح دولت اینکار صورت می گیرد. این اولین قوماندان والی شده نیست که به چنین سرنوشتی دچار میگردد و به یقین آخرین هم نخواهد بود. آنجا که حکومت از پاسخ گوئی به خواسته های مشروع طفره برود، مردم خود حق خود را از دهن شیرهم خواهند گرفت و این کاملاً مشروع است ، اما جهت این کار نباید مسجد و مدرسه و مکتب را هدف قرار داد و آب به آسیاب دشمن ریخت.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ